■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

# جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۴۰۰۰ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

شنبه ۱۳ دی ۱۳۹۹ | ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۴۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - January 2, 2021


**حدیث روز:** تحف‌العقول

از امام حسن (ع) سؤال شد: زهد چیست؟ فرمود: دلدادگی به تقوا و دل برگرفتن از دنیا.

**واحه:** حافظ

من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش
هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت

**امروز در تاریخ:**

- ابلاغ پیام خمینی به میخائیل گورباچف رهبر شوروی و پیش‌بینی فروپاشی کمونیسم (۱۳۶۷ ش)
- درگذشت نیما یوشیج، شاعر (۱۳۳۸ ش)
- شهادت سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران (۱۳۹۸ ش)
- امضای توافق‌نامه تشکیل کشور مستقل فلسطین (۱۹۷۷ م)

**اوقات شرعی:**

اذان ظهر: ۱۲/۰۸ — غروب آفتاب: ۱۷/۰۳
اذان مغرب: ۱۷/۲۳ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۴
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ — طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۴

**وضعیت آب و هوای امروز**

| تهران | اهواز | اراک | اصفهان | بوشهر | تبریز | رشت | یزد |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ / ۱۱ | ۱۰ / ۲۲ | ۵- / ۹ | ۴- / ۹ | ۱۴ / ۲۱ | ۴- / ۵ | ۵ / ۱۳ | ۳- / ۱۱ |

**حکمت ۵۵:** نهج‌البلاغه

صبر بر دوگونه است: یکی صبر در آنچه آن را ناخوش می‌داری و یکی صبر از آنچه دوستش می‌داری.

خودنویس

## گفت بیا و من نرفتم

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

یک تیشرت زرد سپاهانی پوشیده بود با موهایی شلال شده پشت سرش. سیگاری گیرانده بود و چشم دوخته بود به مزار حاجی. اشک می‌ریخت و کام می‌گرفت. با پر رو بازی گفتم، بنشینم؟ گفت بنشین. گفتم چرا نمی‌روی جلو؟ گفت: من به حاجی نمیام ... حاجی مال اوناس که اون پایین هستن. گفتم چرا؟ گفت من آهنگسازم، قبرستونم زیاد میام. شهدا را هم دوس دارم. هرکی برا ایران خونش ریخته برام عزیزه، اصن تو بگو مسیحی ... یه شب اومده‌بودم اینجا بین قبرا قدم می‌زدم که یه چارصدو پنج نگه داشت، یه مردی پیاده شد. با دوسه تا همراه میان قبرها چرخیدند و بعد خوردیم به هم. پرنده پر نمی‌زد. اومد گفت چیکار می‌کنی پسرجان. گفتم من اینا رو دوست دارم. میام دلی سبک کنم. دستشو گذاشت روی شونم. صورتمو ماچ کرد بعد گفت: یه چیزی بخواه ... گفتم چی؟ گفت نمی‌دونم هرچی ... گفتم از تو بر نمیاد ... گفت چیه مگه؟ گفتم دم سربازیمه، یه راهی بود معاف می‌شدم بد نبود. گفت چرا می‌خوای خدمت نری؟ گفتم بیخوده. عمر تلف کردنه ... گفت دفترچه تو پرکن باقیش با من. گفتم باشه. یه خودکار از جیبش در آورد یه چیزی نوشت و یه امضا کرد. زیر امضاشم نوشت سلیمانی ... یه شماره هم داد گفت به این شماره زنگ بزن کمکت می‌کنه ... فرداش زنگ زدم ... معاف نشدم ولی یه جای خوب خدمت کردم، حالا دیگر اشک می‌ریخت. می‌گفت اون مرد حاجی بود و من خر نفهمیدم ... اگه می‌رفتم سربازش می‌شدم چه بسا الان، چه می‌دونم ولم کن ... تنهام بذار من حالاحالاها باید با این غم بسوزم که بهم گفت: بیا با من و من گفتم نه ... ای بابا ولمون کن مشتی.

من پسرک را تنها گذاشتم، خواننده دیگر نمی‌خواند. پرچم‌ها نمی‌رقصید. آدم‌های دور مزار تنک شده‌بودند، ماه بالای کوه‌ها بود، سکوت بود و سر که برگرداندم یک لکه زرد ایستاده‌بود و سیگار می‌کشید و شانه‌هایش تکان می‌خورد.

### گفت‌وگو با شعله قهرمانی؛ مجری قدیمی تلویزیون

# احترام متقابل راز خانواده پایدار

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

یک‌زمانی در کتاب‌های اجتماعی دوره دبستان می‌نوشتند: خانواده اولین و کوچک‌ترین سازمان اجتماعی است. جایی که بچه‌ها اولین آموزه‌های چگونه زیستن در جوامع بزرگ‌تر را یاد می‌گیرند جوامعی مانند مدرسه، کوچه، خیابان، بازار، فروشگاه و... اما راستش را بخواهید اینها فقط تئوری‌هایی بود که در کتاب‌های درسی نوشته می‌شد و معلم‌ها خودشان بلد نبودند یا از خانواده منسجم و کارآمدی نیامده بودند که بتوانند ساختار خانواده موفق را به بچه‌ها بیاموزند همان‌طور که سیستم آموزشی هیچ‌وقت نتوانست این تئوری که مدرسه مکمل خانه است و ادامه روند خانواده را به شکل عملی اجرایی کند. به همه ما می‌گفتند و می‌گویند مدرسه، خانه دوم ماست اما سیستم خشک و رسمی و ناکارآمد مدرسه هیچ‌وقت نتوانسته خانه دوم ما باشد یا حتی خانه اول که اگر خانه و خانواده مشکلی داشتند، مدرسه به بچه‌ها پناه دهد و راه و رسم زندگی را به آنها بیاموزد.

با همه این اما و اگرها که به‌نوعی در سراسر دنیا وجود دارد، اکنون دیگر همه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و رفتارشناسان و مردم شناسان، معتقدان به مذاهب مختلف و حتی بی‌دین و ایمان‌ها و لامذهب‌ها هم به این تئوری که خانواده، مهم‌ترین رکن جامعه است که پایه شخصیت آدم‌ها را بنا می‌گذارد، متفق‌القول هستند و حالا همه دنیا بر این باورند که اگر قرار است دنیا جای بهتری برای زیستن باشد، باید خانواده‌ها جای خوب زندگی کردن باشند تا بچه‌ها ببینند و یاد بگیرند و آن را با خود به جامعه بیاورند. برای همین است که اول ژانویه و اول سال نوی میلادی به‌نام روز جهانی خانواده نامگذاری شده تا در همین اول سالی یادآوری باشد که اگر قرار است زندگی خوبی را تجربه کنید همه تمرکز خود را روی خانواده خوب و موفق و همدل و دوست‌داشتنی بگذارید. با شعله قهرمانی، مجری قدیمی تلویزیون که این روزها برنامه خانه مهر شبکه جام‌جم را اجرا می‌کند هم‌صحبت شدم تا از تجربیاتش برای داشتن یک خانواده موفق برایمان بگوید.

**از یکدیگر حمایت می‌کنیم**

قهرمانی درباره خانواده خودش می‌گوید: دو پسردارم به‌نام‌های شایان و سیاوش که اولی ۲۸ ساله است و مهندسی ورزش می‌خواند و دومی ۲۵ ساله و معماری می‌خواند. ما یک خانواده متوسطیم که کنار هم خوشحالیم و هرکدام تلاش می‌کنیم عضو مؤثری در خانواده باشیم و از همه مهم‌تر این‌که از یکدیگر حمایت می‌کنیم. این حمایت بین ما چهار نفر در جریان است و در کنار حمایت تا جایی که می‌توانیم یا یکدیگر مهربان هستیم. من به‌عنوان یک مادر شاغل فقط با حمایت همسرم توانستم هم کارکنم هم به کارهای خانه رسیدگی کنم و هم پسرانم را بزرگ کنم بدون این‌که آنها از این‌که مادرشان شاغل است، احساس کمبود کنند.

**اولویت با فرزندان است**

زنان شاغل معمولا توانمندی دارند که شرایط را ارزیابی کرده و با مدیریت زمان هم به کارهای خانه برسند و هم به کارهای مربوط به شغلشان. وقتی مادر شدم اولویت برایم فرزندانم بودند، بنابراین برنامه‌ریزی‌ها جوری انجام می‌شد که بچه‌ها در رأس امور قرار بگیرند. بازهم تأکید می‌کنم همراهی همسرم آن‌قدر خوب و زیاد بود که هم من و هم بچه‌ها در کمال آرامش زندگی کرده و می‌کنیم. ما به همزبانی و همراهی رسیدیم، باورمان این بود که برای داشتن خانواده موفق و کارآمد باید باهم هماهنگ باشیم. نمی‌شود من ساز خودم را بزنم و برای خودم برنامه‌ریزی کنم و همسرم نیز همین‌گونه و بعد توقع داشته باشیم زندگی خانوادگی روی ریل درست به مسیرش ادامه بدهد. من و همسرم باهم به این توافق رسیدیم که شرایط هرقدر هم سخت بود، نباید اجازه بدهیم به‌اصطلاح آب توی دل بچه‌ها تکان بخورد. وظیفه هر پدر و مادری است تا زمانی که بچه‌ها به شرایط پایداری نرسیده‌اند از آنها حمایت کرده و درگیر ماجراها و اتفاقاتی که بزرگ‌تر از سنشان است، نکنند. این نوع مدیریت خانواده به پدر و مادر دانا و توانا نیاز دارد.

**حرف پدرانه؛ پدر شوهر**

قهرمانی می‌گوید: وقتی پسر اولم متولد شد، پدر همسرم یک مصرع از یک شعر را برایم خواند که تا همین امروز آن را آویزه گوشم و چراغ راه خانواده‌ام کرده‌ام؛ «مادر دانا، توانا پرورد فرزند خویش». اما این روش تربیتی و اولویت دادن به فرزندان این گونه نبود که آنها را در یک حباب کاذب بزرگ کنیم. ما می‌دانیم بهترین کاری که می‌شود برای بچه‌ها انجام داد این است که به آنها مسؤولیت‌پذیری بیاموزیم. هم مسؤولیت‌پذیری در برابر خودشان هم دیگر اعضای خانواده و هم جامعه. شایان بعد از گرفتن دیپلم به کار مشغول شد، نه این که ما نتوانیم مخارج او را بدهیم بلکه برای این‌که عزت نفس خودش بالا برود و تمرین مسؤولیت‌پذیری را شروع کند. دستمزدش آنقدر بود که پول توی جیبی‌اش را تامین می‌کرد؛ اما مهم میزان حقوقش نبود، مهم این است که او به واسطه کار برای خودش شخصیتی تعریف کند و به آدابی مقید شود. کسانی که کار می‌کنند می‌دانند چه حد و مرزهایی را باید رعایت کنند؛ مثلا چه مکان‌هایی بروند یا نروند یا با چه کسانی نشست و برخاست داشته‌باشند. همه اینها به او کمک کرد مسؤولیت‌پذیر باشد. او مدل و الگویی شد برای برادر کوچک‌ترش و هر دو تا در کنار هم شروع به رشد کردند.

**سهم اعضای خانواده در موفقیت و شادی**

الان دیگر همه می‌دانیم موفقیت یک خانواده به نوع تفکر و رفتار مادر خانواده بستگی دارد. پشت سر هر خانواده موفق یک مادر دانا و توانا ایستاده‌است؛ اما این بدان معنا نیست که نقش پدر در خانواده تضعیف شود. مادرها به عنوان گردانندگان امورات خانه نقش‌شان بیشتر به چشم می‌آید. البته این پررنگ بودن نقش، نباید مردان را در قبال خانواده کم‌مسؤولیت کرده یا آنها را تبدیل به عابربانک یا حساب پس‌انداز کند که فقط باید پول خرج کنند. این یک شعار گل‌درشت نیست که خانواده موفق، خانواده‌ای است که زن، مرد و فرزندان هر کدام در جایگاه خود قرار دارند و سهم خود را برای موفقیت و شادی خانواده می‌پردازند. زمانی خانواده بیشترین آسیب را می‌بیند که بین پدر و مادر ناهماهنگی به وجود می‌آید و بچه‌ها متوجه آن می‌شوند و می‌فهمند پدر و مادر با هم تفاهم ندارند و چه پنهان چه آشکار با هم مخالفند یا دچار چالش‌اند. اختلافاتی که حل نشده باقی می‌ماند و به مرور تبدیل به بحران می‌شود.

### سم مهلک برای خانواده

تئوری نیست وقتی می‌گویم اساس و بنای یک خانواده موفق و کارآمد احترام متقابل اعضای آن به یکدیگر است؛ پدر و مادر نسبت به هم و نسبت به فرزندان و فرزندان نسبت به والدین و خواهر و برادرشان. به نظرم سمی مهلک‌تر از این نیست که پدر و مادر مقابل بچه‌ها به هم بی‌احترامی کنند. این که بین آنها اختلافی وجود داشته‌باشد، ناگزیر است اما قرار نیست که همه حرف‌ها جلوی بچه‌ها گفته شود. بحث‌ها و در ادامه بی‌احترامی‌ها طولانی شود و بحران‌ها شکل گیرد. زن و شوهر می‌توانند در خلوت با هم صحبت کرده و مسائل یا سوء تفاهمات و حتی اختلاف‌ها را حل کنند. به باور من وقتی پدر و مادر به یکدیگر احترام بگذارند، محال است که فرزندان به آنها بی‌احترامی کنند. در این مورد همه چیز بستگی به نوع رفتار پدر و مادر دارد. بچه‌ها وقتی تنش و خشونت کلامی یا رفتاری پدر و مادر را ببینند، یاد می‌گیرند و آن را عملی می‌کنند اما زمانی که برای آنها این فضا فراهم نشود، آنها هم یاد می‌گیرند به والدین خود احترام بگذارند و در فضای احترام متقابل، خانواده موفق شکل می‌گیرد.

مقطع حساس کنونی

## چرا اصلانشاه به پس گردن وزیر اقتصادی زد

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

اصلانشاه هفتم، چهارمین پادشاه از سلسله اصلانشاهیان که به مدت صد و شانزده سال بر نواحی اصلان‌تپه و قصبات اطراف سلطنت کردند، پادشاهی شایسته‌سالار بود و همواره از اطرافیان خود درباره تصمیمات خود نظرسنجی می‌کرد و ازآنجاکه علاوه بر شایسته‌سالاری از حسنه خوش‌خلقی و شوخ‌طبعی نیز برخوردار بود، اطرافیان نیز نظرات خود را درباره تصمیمات وی با شجاعت و اعتمادبه‌نفس بیان می‌کردند. روزی اصلانشاه وزیر امور اقتصادی دربار را به نزد خود خواند و گفت: ای وزیر امور اقتصادی، کاغذ و قلم بردار و نام اشخاصی را که در امور اقتصادی ابلهند روی آن بنویس تا در تصمیمات آتی اقتصادی و برنامه‌های جدید مالی از دخیل کردن آنان خودداری کنیم. وزیر اطاعت کرد و کاغذ و قلم برداشت و اول از همه نام اصلانشاه را روی آن نوشت. اصلانشاه که زیرزیرکی به کاغذ وزیر نگاه می‌کرد، گفت: وا، چرا مرا نوشتی؟ وزیر گفت: جسارتا به‌نظرم نام شما باید در صدر این لیست قرار داشته باشد. اصلانشاه گفت: امیدوارم برای این حرف خود دلیلی داشته باشی وگرنه واقعا ناراحت می‌شوم. وزیر گفت: چه‌کسی را برای دریافت مالیات ولایات شرقی فرستادید؟ اصلانشاه گفت: شعبان‌خان استادخانی. وزیر گفت: خبر ندارید شعبان‌خان به دست‌کجی و تصرف در اموال غیر و حیف‌ومیل بیت‌المال و قمار شهره است؟ اگر پول‌ها را گرفت و فرار کرد چی؟ اگر به ممالک همسایه رفت و آنها را خرج قمار کرد چی؟ اگر پول‌ها را به آقازاده‌هایش داد چی؟ اصلانشاه گفت: وی را به جرم نکرده مجازات می‌کنی و مرا به‌خاطر اتفاق نیفتاده ابله می‌دانی؟ وزیر خواست پاسخی بگوید که اصلانشاه ادامه داد: آن‌وقت اگر پول‌ها را صحیح و سالم آورد و به خزانه تحویل داد چی؟ وزیر گفت: در آن‌صورت اسم شمارا از صدر فهرست ابلهان اقتصادی خط می‌زنم و نام وی را در صدر فهرست می‌نویسم. اصلانشاه که از این پاسخ خنده‌اش گرفته بود با کف دست به پس گردن وزیر زد و گفت: ای کلک و تا صبح با وی گفت و خندید و مشورت کرد و دم‌صبح خاموش شد.

مرور و عبور — جام جم: ۲۰ سال قبل

## فرگوسن؛ بهترین مربی سال ۲۰۰۰

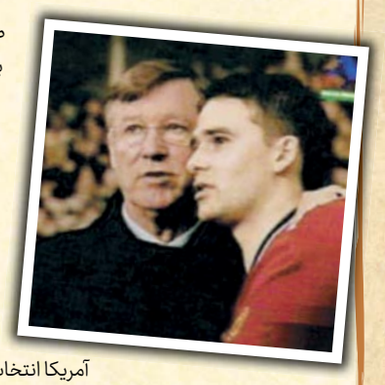

طبق نظرسنجی از روزنامه‌نگاران برجسته دنیا برای انتخاب بهترین مربیان فوتبال اروپا در سال ۲۰۰۰، سرالکس فرگوسن با ۳۳ رای مقام اول را کسب کرد و اریکسون مربی لاتزیو با ۲۷ رای مقام دوم و هکتور کوپر از والنسیا نیز با ۱۶ رای مربی سوم قاره اروپا شد. کارلوس برانچی مربی بوکاجونیورز نیز به‌عنوان بهترین مربی قاره آمریکا انتخاب شد. (صفحه ۱۵)

## تهران؛ زیر چتر غبار

آلودگی هوا در تهران به‌طرز وحشتناکی در روزهای اخیر تشدید شده و بسیاری از شهروندان را به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشانده است.

براساس آمار ارائه شده از سوی اورژانس تهران تعداد مراجعه‌کنندگان در روزهای ابتدای هفته افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و بیماران قلبی و تنفسی بیشترین تعداد بیماران را تشکیل داده‌اند.

این درحالی است که خودروهای فعال در تهران طبق گزارش نهادهای زیست‌محیطی در هر شبانه‌روز معادل ۱۶ تن ذرات لاستیک و پنج تن سرب در هوای تهران پخش می‌کنند و ۷۱ درصد آلودگی هوای تهران به‌دلیل تردد بیش از دو میلیون خودروست. (صفحه یک)

## کلینتون؛ عرفات را تهدید کرد

هفته‌نامه تایم چاپ آمریکا فاش کرد یاسر عرفات، رهبر حکومت خودگردان فلسطین هفته گذشته از ادامه گفت‌وگو با بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا خودداری کرده است.

تایم نوشته، کلینتون در این گفت‌وگو به عرفات گفته اگر این فرصت طلایی را برای تحقق صلح از دست بدهی تاریخ تو را به یاد نخواهد آورد. عرفات پس از شنیدن این گفته‌ها بلافاصله ارتباط تلفنی خود با کلینتون را قطع کرده و به معاونان خود گفته: کلینتون مرا تهدید می‌کند. (صفحه یک)

جام جم
JAM-E-JAM Vol. 1, No. 203, TUE. JAN. 2, 2001
پوشش تصویری شمال خوزستان بودجه می‌خواهد
صدای مهاجمان سوهانک در محل وقوع جنایت!
ادبیات، همچنان پررنگ و بار تراست
انتقاد شدید اللحن عضو شورای شهر و مدیرعامل باشگاه پیروزی از فدراسیون فوتبال
عابدینی: فدراسیون مدیریت ندارد سیاسی کاری هم می‌کند
شهیدی مودب: استقلال قاضی وصلاحیت دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای زیرسئوال نرود
در دو اولین سخنرانی سال نو میلادی
پاپ، جهان را به گفتگوی تمدن‌ها فراخواند
صادر کنندگان: از تامین بودجه صندوق‌های بیمه‌ای حمایت می‌کنیم
دولت اوراق مشارکت بفروشد یا نه؟ کارشناسان پاسخ دادند

## بیمه رایگان برای اهداکنندگان عضو

بنیاد امور بیماری‌های خاص؛ پرسشنامه‌ای را منتشر کرده که هر شخص با تکمیل آن می‌تواند در صورت مرگ مغزی با اهدای اعضای بدن، جان همنوعانش را نجات دهد.

علیرضا شمشیرساز، کارشناس بنیاد بیماری‌های خاص گفت: پیوند اعضا از مسائل نوین پزشکی است که به‌تازگی گسترش یافته و برای پویاتر شدن آن راهی نه‌چندان هموار پیش‌رو داریم.

وی با اشاره به حمایت‌های بنیاد از اهداکنندگان عضو گفت: هر شخصی که عضوی از بدن خود را اهدا کند تا ۱۰ سال زیرپوشش بیمه رایگان درمان قرار می‌گیرد و گیرندگان هم جزو بیماران خاص محسوب شده و داروهای رایگان دریافت خواهند کرد. (صفحه ۱۳)

## علاقه‌مندی زنان به بازی‌های کامپیوتری

بیشترین حضور زنان در اینترنت برای استفاده از بازی‌هایی است که در فضای نت منتشر می‌شود.

براساس مطالعه جدیدی که مرکز تحقیقات پی‌سی دیتا انجام داده ثابت شده که برای اولین‌بار زنان به‌عنوان کاربران شبکه‌های اینترنت علاقه بیشتری نسبت به مردان در بخش بازی‌های رایانه‌ای از خود نشان داده‌اند. در این تحقیق همچنین نوشته شده که زنان در زمینه این بازی‌ها از مردان موفق‌ترند. براساس این تحقیق زنانی که در فضای بازی‌های رایانه‌ای شرط‌بندی می‌کنند نیز از تعداد مردان بیشتر است. (صفحه ۹)